

## کالبد شکافی انقلاب‌های رنگین و تأثیر آن در ایران

دکتر محمد علی خسروی\*

داوود بیات\*\*

### چکیده

انقلاب رنگی یکی از شیوه‌های جدید تغییر رژیم از دو دهه‌ی گذشته تا کنون است که عمدتاً علیه نظام‌های سیاسی فرسوده و باقی‌مانده از دوره‌ی جنگ سرد در کشورهای اروپای شرقی و جمهوری‌های استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی سابق روی داده است. طی دو دهه‌ی اخیر تحولاتی در چکسلواکی، گرجستان، اوکراین و قرقیزستان صورت گرفت که در نتیجه‌ی آن، رژیم حاکم، بدون خون‌ریزی و خشونت، دگرگون گردید. جابه‌جایی قدرت در این کشورها، نه جانشینی افراد جدید به جای افراد قبلی، بلکه نوعی تغییر اساسی رژیم به مفهوم کامل کلمه بود.

دوران انقلاب‌های آرام و براندازی خاموش از سال 1989 م، شروع شده و هم‌اکنون به طور جدی در دستور کار قدرت‌های بزرگ، به ویژه دولت استکباری امریکا قرار دارد. این تحول، همچنان که از نام آن پیداست، بر رویکردی نرم و

---

\* استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، گروه علوم سیاسی، تهران، ایران

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

شیوه‌ای آرام برای تغییر حاکمان و حکومت‌ها تأکید و تمرکز دارد. این انقلاب‌ها بیشتر توسط سازمان‌ها و بنیادهای امریکایی طراحی شده و در کشورهایی که الگوها و روش‌های غربی را قبول ندارند، عملیاتی شده و به اجرا در می‌آیند و شعار مشترک آن‌ها اغلب رنگ و بوی غربی و لیبرالیستی دارد. این مقاله به طور نسبی به کالبدشکافی و بررسی انقلاب‌های رنگین و علل ناکامی این الگو در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

واژگان کلیدی: انقلاب رنگی، انقلاب گل رُز، انقلاب نارنجی، انقلاب گل لاله، براندازی نرم.

## مقدمه

انقلاب رنگی یا مخملی پدیده‌ای نوین و مربوط به دوران پسا جنگ سرد در عرصه‌ی سیاسی نظام بین‌الملل است که در دهه‌ی آخر قرن بیستم ابتدا در کشورهای اروپای شرقی مانند چکسلواکی، رومانی و... اجرا گردید و در دهه‌ی اول قرن بیست و یکم، به جمهوری‌های استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی سابق همچون گرجستان، اوکراین، قرقیزستان و کشورهای دیگر در این منطقه و سایر نقاط جهان از جمله جمهوری اسلامی ایران تسری یافت. انقلاب‌های مخملی یا رنگین، به مجموعه‌ی اقدامات بدون خون‌ریزی و غیر خشونت آمیزی گفته می‌شود که علیه براندازی نرم و خاموش رژیم‌های مدنظر و مخالف سیاست‌های دولت مردان امریکا به کار گرفته شده یا هم اکنون در دستور کار آنان قرار دارد.

انقلاب رنگی، نوعی کودتا و براندازی نرم در عصر استعمار فرانسه علیه نظام‌های حاکم به شیوه‌ی مسالمت آمیز و آرام می‌باشد. این گونه انقلاب‌ها تا کنون عمدتاً توسط سازمان‌ها و بنیادهای برانداز نرم امریکایی با حمایت و مدیریت همه جانبه و پیچیده‌ی سازمان‌های اطلاعاتی - امنیتی و دولت مردان این کشور طراحی و در کشورهایی که مخالف سیاست‌های سلطه پذیری کشور امریکا بوده‌اند به اجرا درآمده است. این سیاست در بعضی از کشورها موفق و در بعضی از آنها مانند ایران، لبنان و... بنا به دلایل مختلف و مهیا نبودن بسترهای لازم ناموفق بوده‌اند. این روند در آینده برای کشورهای دیگر به کار گرفته خواهد شد. نگاهی به روند طی شده در انقلاب‌های رنگین در کشورهای مذکور نشان می‌دهد که در همگنی آن‌ها اندیشه‌های حقوق بشری و

دموکراسی خواهی با رویکرد فرهنگ لیبرالیسم نقش بسیار مهم و برجسته‌ای به ویژه در زمان انتخابات داشته‌اند. حمایت‌ها و مدیریت قدرت‌های بزرگ خارجی از نیروهای انقلاب رنگین یا مخملی، در داخل کشورها، به دلیل گسترش ارتباطات، درهم شکسته شدن انحصار رسانه‌ای دولت و جدایی مرزهای ملی و کنترل ناپذیر شدن آن‌ها به آسانی تسهیل شده و مرزهای داخل و خارج را تا حدود زیادی به هم ریخته است. بر همین اساس، انقلاب رنگی و براندازی نرم گزینه‌ای مناسب به منظور جایگزینی تحولات خشونت آمیز و جنگ سخت با هزینه‌های کمتر و بهتر، شده است. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دو رویکرد از سوی دولت امریکا و قدرت‌های غربی، به منظور مواجهه و مقابله با کشور جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته شده است. رویکرد اول بر تغییر رفتار از طریق اعمال تحریم‌های متعدد اقتصادی و منزوی کردن نظام جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی متمرکز شد و در مقاطع مختلفی نیز مورد بهره برداری سیاسی آن‌ها قرار گرفت؛ و رویکرد دوم با شیوه‌های گوناگون، خواهان تغییر رژیم حاکم ایران بود. این سیاست به دو طریق دنبال شد؛ طریقه‌ی اول در پی به‌کارگیری قدرت سخت بود که با تحمیل و حمایت از جنگ هشت ساله‌ی عراق علیه ایران و همچنین وضع تحریم‌های اقتصادی پیگیری شد؛ طریقه‌ی دوم که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به‌خصوص پس از رخداد 11 سپتامبر 2001، با جدیت بیشتری دنبال شده است؛ استفاده از قدرت نرم و توسل به شیوه‌های براندازی نرم یا همان انقلاب رنگی بوده، که با چندین مرحله اجرای آن تا کنون ناموفق و ناکام بوده‌اند. در این مقاله براندازی نرم - انقلاب رنگی - تاریخچه‌ی انقلاب‌های رنگی - انقلاب رنگی در کشورهای گرجستان، اوکراین، قرقیزستان - وجوه اشتراک انقلاب‌های رنگین - شیوه‌ها و ابزارهای انقلاب‌های رنگین (عملیات روانی، رسانه‌ها، نافرمانی مدنی، ایجاد نا امنی و نا آرامی، تمرکز بر مسئله‌ی انتخابات و توجه به آن) - بنیادها و سازمان‌های طراح انقلاب رنگی یا مخملی (بنیاد جامعه‌ی باز «بنیاد سوروس»)، بنیاد

ملّی برای دموکراسی، خانه‌ی آزادی، مؤسسه‌ی دموکراتیک ملّی برای امور بین‌المللی)- اهداف انقلاب‌های رنگین- ویژگی‌ها و مشخصه‌های انقلاب‌های رنگی - علل عدم موفقیت انقلاب رنگی در جمهوری اسلامی ایران، و در پایان راهکارهای پیشنهادی، مباحثی است که به طور خلاصه مطرح و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

### تعریف براندازی نرم

براندازی در اصل یک اصطلاح نظامی است که در فرهنگ واژه‌های نظامی، این‌گونه آمده است:

کلیه اعمال و فعالیت‌های غیر قانونی که بر ضد مصالح یک کشور انجام می‌شود و هدف نهایی آن واژگون کردن حکومت وقت است. به عبارت دیگر، عملیاتی است که به منظور کاهش و از بین بردن قدرت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و روانی دشمن طرح ریزی و انجام می‌شود تا به تدریج یک رژیم برای سرنگون شدن آماده شود. براندازی یکی از شاخه‌های جنگ‌های نامنظم است. (رستمی، 1378، 154-155)

**براندازی در تعریفی دیگر عبارت است از:** تغییر سیستم سیاسی یک کشور و یا ایجاد تغییر و تحول اساسی در ارزش‌های اساسی یک نظام. این تغییر گاهی از طریق رفتارهای خشونت آمیز مثل کودتا، ترور، تحمیل جنگ و... صورت می‌گیرد و گاهی از طریق مسالمت آمیز و با اجرای برنامه‌ای حساب شده و دراز مدت برای نفوذ در ارکان سیاسی یک نظام قابل اجرا است. نتیجه‌ی هر دو اقدام منجر به تغییر سیستم و در نهایت براندازی خواهد شد. (اداره‌ی سیاسی سپاه، 1381، 45)

معنا و مفهوم براندازی نرم را با توجه به تعاریف مذکور می‌توان به شرح ذیل تعریف نمود:

براندازی نرم در اصطلاح به معنای اجرای برنامه‌ای حساب شده، مسالمت آمیز و دراز

مدت برای نفوذ در ارکان سیاسی یک نظام به منظور تغییر سیستم سیاسی یک کشور و یا ایجاد تغییر و تحول اساسی در باورهای اصلی آن است. در شرایط کنونی، از براندازی نرم، تعبیر و برداشت‌های مختلفی به عمل می‌آید که هر چند ممکن است تفاوت‌های جزئی با هم داشته باشند، ولی باید دانست که در نهایت، محتوا و ماهیت آن‌ها واحد و یکی است. این واژه‌ها عبارتند از: براندازی قانونی، براندازی پنهانی، براندازی خاموش، براندازی در سکوت، براندازی تدریجی، فروپاشی از درون، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی و... هدف نهایی همگی این‌ها، تغییر ارزش‌ها و در صورت ضرورت تغییر افراد نظام حاکم با شیوه‌ها و شگردهای مسالمت آمیز با به‌کارگیری ابزارهای گوناگون است.

### معنای انقلاب رنگی

انقلاب رنگی یا مخملی، به تحولات سیاسی نسبتاً همگونی اطلاق می‌شود که به ترتیب در یوگسلاوی (سال 2000 میلادی)، گرجستان (سال 2003 م)، اوکراین (سال 2004 م) و قرقیزستان (سال 2005 م)، رخ داد و در جریان آن‌ها، نوع جدیدی از جابه‌جایی قدرت سیاسی به شیوه‌های آرام و مسالمت آمیز جلوه گر شد. آنچه در ظاهر در بلگراد، تفلیس و کی‌یف روی داد و سپس در بیشکک تکرار شد، از وجوه مشترکی برخوردار بود. در واقع، به نظر می‌رسید که هر کدام از آن‌ها، مقاومتی خود انگیخته، همراه با تجمعات عظیم در میدانی اصلی پایتخت بودند که با شعارهای آسان و قابل فهم و پلاکاردها و برچسب‌های طنز آمیز علیه حاکمان همراه می‌شدند.

در تمامی این موارد، تجمعات در فضایی بدون تحریک، آرام و تقریباً شبیه به جشن‌ها و کارناوال‌های مردمی صورت می‌گرفتند؛ فضایی که حتی به مستبدترین حاکمان نیز اجازه نمی‌داد تا دستور شلیک به مردم را صادر کنند. به این معنا، نمی‌توان انقلاب رنگی را با مفهوم انقلاب به معنای کلاسیک آن مترادف دانست. در برداشت کلاسیک، انقلاب عمدتاً به گونه‌ای از کنش سیاسی جمعی و توده‌ای گفته می‌شود که

در قالب منازعه‌ای خشونت آمیز برای قبضه‌ی قدرت دولتی، در درون واحد سیاسی مستقلی، شکل می‌گیرد و در طی آن، گروه‌های خارج از حکومت، به بسیج توده‌ها دست می‌زنند. به این ترتیب، منازعه‌ی انقلابی نیازمند سازماندهی، رهبری و ایدئولوژی برای بسیج است و همواره سطحی از خشونت را به همراه دارد. (بشپریه، 1382، 193)

انقلاب‌های مخملی یا رنگین، به مجموعه‌ی اقدامات و فعالیت‌های غیر خشونت آمیزی اطلاق می‌شود که به منظور براندازی نرم، علیه کشورهای مدنظر به‌کار گرفته می‌شود. این روند، از دهه‌ی پایانی قرن بیستم از کشورهای اروپای شرقی همچون چکسلواکی و رومانی شروع گردیده و در دهه‌ی نخست قرن بیست و یکم به جمهوری‌های استقلال یافته از شوروی سابق، همچون گرجستان، قرقیزستان و اوکراین تسری یافته است و هم‌چنان در دستور کار استکبار جهانی بر ضد سایر کشورهاست. این اقدام آن‌گونه که از نام آن پیداست، بر رویکردی نرم و شیوه‌ای آرام برای تغییر حکومت‌ها و حکمرانان تأکید دارد و از این رو، راهبرد نوینی در عرصه‌ی تغییر حکومت‌ها به شمار می‌رود. عمده‌ترین کلید واژه‌های انقلاب‌های رنگی و مخملی؛ تظاهرات مسالمت آمیز، مقاومت بدون خشونت، مبارزه‌ی منفی، نافرمانی مدنی، عملیات روانی، تبلیغات رسانه‌ای و... علیه جامعه‌ی هدف می‌باشد.

### تاریخچه انقلاب‌های رنگین یا مخملی

برای نخستین بار، واسلاو هاول، رئیس‌جمهور پیشین چک، که در آن زمان رهبر مخالفان این کشور بود، اصطلاح انقلاب‌های مخملی را وارد ادبیات سیاسی کرد و سر زبان‌ها انداخت و در سال 1989 م. طی دوره‌ی شش هفته‌ای، از 17 نوامبر تا 29 دسامبر همان سال، مخالفان حکومت در چکسلواکی، با انجام سلسله اقدامات زنجیره‌ای، توانستند رژیم حاکم را سرنگون کنند و قدرت را در دست گیرند. (مرسلی،

پس از اولین رویداد از این نوع در چکسلواکی، اصطلاح انقلاب مخملی یا رنگی در سال‌های بعد از فروپاشی شوروی سابق، به ویژه در اوایل قرن بیست و یکم، به یکی از کلید واژه‌های تحولات سیاسی در عرصه‌ی جهانی تبدیل شد. فروپاشی نظام دو قطبی و تجزیه کشورهای چند ملیتی از قبیل اتحاد جماهیر شوروی و یوگسلاوی، زمینه را برای تغییراتی در ساختار سیاسی کشورهای به جا مانده از نظام‌های اقتدار طلب پیشین فراهم کرد. با توجه به اینکه اکثر کشورهای تازه استقلال یافته، میراث دار نظام کمونیستی سابق بودند، در اکثر موارد همان نخبگان سیاسی دوران کمونیسم در آن‌ها به قدرت می‌رسیدند.

در این بین، مخالفان وضع موجود، که نیروهای طرفدار غرب بودند، با استفاده از نارضایتی مردم و ایجاد ارتباط با مراکز سیاسی و تحقیقاتی کشورهای غربی، به ویژه امریکا، به بسیج سیاسی مردم هماهنگ با اهداف و برنامه‌های سیاسی خود اقدام کردند و توانستند در تعدادی از کشورهای بازمانده از بلوک کمونیست به قدرت برسند. انقلاب‌های رنگی به علت ماهیت خود، در جوامع پسا کمونیستی در اروپای شرقی و آسیای مرکزی توسعه یافته و استفاده شده است؛ از جمله‌ی این کشورها می‌توان به صربستان، اوکراین، گرجستان و قرقیزستان اشاره کرد که انقلاب‌های رنگی در آن‌ها اتفاق افتاد و نیروهای طرفدار غرب در آن‌ها به قدرت رسیدند.

دومین انقلاب رنگی در سال 1997 م، در صربستان روی داد که در فرهنگ واژگان علوم سیاسی با عنوان کودتای فرامدرن شناخته می‌شود. اما سه نمونه‌ی بارز این نوع انقلاب‌ها که در قرن بیست و یکم در گرجستان، اوکراین و قرقیزستان رخ داد، بسیار به یکدیگر شباهت داشتند و برای ایران الگوی آن‌ها انتخاب گردیده بود. (همان منبع، 1388،



### جمهوری گرجستان<sup>۱</sup> عنوان رسمی گرجستان است که در زبان گرجی ساکار تولو<sup>۲</sup>

نامیده می‌شود.

گرجستان به عنوان سرزمینی که در منطقه‌ی اوراسیا، در قفقاز و همچنین در شرق دریای سیاه واقع شده است از موقعیتی استراتژیک برخوردار است. هرچند که مساحت این کشور تنها 69700 کیلومتر مربع است، لکن قرار گرفتن آن در مسیر شاهراه شمال - جنوب و همچنین واقع شدن در حد فاصل دریای خزر و دریای سیاه سبب شده است که این سرزمین از موقعیتی مهم برخوردار باشد و تاریخی پرفراز و نشیب را پشت سر بگذارد. بخش عمده‌ای از این کشور در قفقاز جنوبی واقع شده و بخش کوچکی از آن نیز در قفقاز شمالی قرار گرفته است. این کشور در شمال با روسیه و در جنوب با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکیه هم مرز است. (جنگ نرم «5»، 1386، 47)

نقطه‌ی شروع انقلاب گل رز، انتخابات پارلمانی 23 نوامبر سال 2003 میلادی بود. با اعلام نتایج اولیه انتخابات از سوی کمیسیون مرکزی آن، احزاب مخالف به نتایج اعلان شده اعتراض کردند. اما ادوارد شوارد نادره رئیس جمهور وقت گرجستان بی‌اعتنا به این مخالفت‌ها، فرمان تشکیل اولین جلسه‌ی پارلمان را صادر کرد. (کولایی، 1384، 35-36)

در جریان برگزاری این مراسم، میخائیل ساکاشویلی رهبر مخالفان دولت و همراهانش با در دست داشتن شاخه‌ی گل رز وارد مجلس شدند و در طول سخنرانی افتتاحیه‌ی شوارد نادره، با صدای بلند خواستار استعفا و خروج وی از پارلمان شدند. شوارد نادره به این اعتراضات توجهی نکرد و درگیری بین طرفداران رئیس جمهور و مخالفان وی درگرفت و با ورود نمایندگان مخالف و طرفدارانش به مجلس، پارلمان به تصرف کامل مخالفان درآمد. (جنگ نرم «5»، براندازی نرم در کشورهای مدل، 1386، 54-56)

---

1. Republic of Georgia

2. Sakar Tvelo

به دنبال این رویداد، شوارد نادره در این کشور حالت فوق‌العاده اعلام کرد، اما با مقاومت نیروهای مخالف و سقوط دیگر نهادهای دولتی و ارگان‌های حکومتی، رئیس‌جمهور مجبور به استعفا شد و مخالفان قدرت را به دست گرفتند. در این زمان ((نینو بور جانادزه)) رئیس‌پارلمان گرجستان و رهبر یکی از گروه‌های مخالف به عنوان کفیل ریاست جمهوری تعیین شد و بدین شکل، حکومت شوارد نادره سرنگون گردید. (کولایی، همان، 36)

در وقوع انقلاب گل رز گرجستان، نقش آمریکا و سازمان‌های وابسته به آن و سپس نقش اتحادیه اروپا دیده می‌شد. سفیر آمریکا در گرجستان، ریچارد مایلز، که قبلاً در صربستان در برکناری میلو شوویچ، بلغارستان و آذربایجان (در مسئله سرنگونی ایلچی بیگ در سال 1993 م) در فعالیتهای براندازی نقش ایفا کرده بود، پس از وقوع انقلاب گل رز، سفیر برانداز نام گرفت.

اما مهم‌ترین سازمان ظاهراً غیر دولتی غربی دارای نقش در حرکت انقلاب گل رز گرجستان، بنیاد سوروس<sup>1</sup> بود. بنیاد سوروس چهل تن از همکاران خود و بودجه سالانه کافی را در اختیار الکساندر لومایا قرار داد تا شرایط را برای انقلاب گل رز فراهم کند. این بنیاد یک ایستگاه تلویزیونی نیز در اختیار جنبش کمارا قرار داد.

به جز بنیاد سوروس، همچنین تعدادی دیگر از مؤسسه‌های آمریکایی که از بودجه‌ی فدرال بهره می‌گیرند نیز در این حرکت نقش داشتند. نقش اتحادیه اروپا و مؤسسه‌های مالی اروپا نیز در انقلاب رز گرجستان دیده می‌شد؛ به ویژه این که 427 نماینده از سازمان امنیت و همکاری اروپا بر انتخابات پارلمانی گرجستان نظارت می‌کردند و اروپایی‌ها بر تمایل خود به گسترش دموکراسی مورد نظر در کشورهای همسایه تأکید می‌کردند. (مصطفی ملکوتیان، آیا انقلاب‌های رنگی واقعی هستند؟، کیهان

---

1- Soros

(1387/3/23)

از جمله عوامل عمده‌ی موفقیت انقلاب رنگی گل رز در گرجستان؛ ناکارآمدی نظام سیاسی دولت در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی در حوزه‌های داخلی بود و از سوی دیگر اقدامات بسیار گسترده‌ی براندازی نرم توسط کشورهای اروپایی به ویژه امریکا علیه این کشور بود. چنانچه دولت گرجستان قادر به رفع نابسامانی‌های مختلف در سطح کشور می‌شد احتمال پیروزی غربی‌ها بعید به نظر می‌رسید و آن‌ها در اهداف خود ناکام می‌ماندند.

### ب) انقلاب نارنجی<sup>۱</sup> در اوکراین

اوکراین که بعد از فدراسیون روسیه بزرگ‌ترین کشور اروپایی و همسایه جنوب غربی روسیه است دارای موقعیت کلیدی در میان چند منطقه‌ی مهم؛ یعنی اروپای شرقی، قفقاز و خاورمیانه است. حضور امریکا در آن برای کنترل روسیه - که همچنان برای غرب خطرناک محسوب می‌شود - از یک سو و دستیابی به بازارها و منابع نفت و گاز منطقه از سوی دیگر حائز اهمیت است. علاوه بر آن، اوکراین مرکز عبور لوله‌های نفت و گاز روسیه و دریای خزر است که برای شرکت‌های نفتی امریکایی مسئله‌ی مهمی است. بنابراین، امریکایی‌ها برای دستیابی به اهداف خود به شدت در اوکراین تلاش کردند. سناریوی انقلاب نارنجی با هدف دستیابی به این جایگاه استراتژیک توسط غرب و ایادی وابسته به آن در اوکراین طراحی شد و در انتخابات ریاست جمهوری اکتبر 2004 م، کلید زده شد. (جمعی از نویسندگان، 1389، 171).

انقلاب نارنجی اوکراین در سال 1383 (31 اکتبر 2004) بر سر انتخابات ریاست جمهوری این کشور آغاز شد. در این انتخابات رقابت بین **ویکتور یاناکویچ** طرفدار روسیه و **ویکتور یوشچنکو** طرفدار غرب و امریکا بود. در مرحله‌ی اول و دوم

انتخابات، نامزد طرفدار روسیه بر نامزد طرفدار غرب پیشی گرفت و با کسب اکثریت آرا به پیروزی دست یافت، ولی یوشچنکو و طرفداران او صحت انتخابات را مورد تردید قرار داده و با حمایت مالی و تبلیغاتی امریکا و با حضور در خیابان‌های پایتخت اقدام به تحصن و تظاهرات کردند. تظاهرات کنندگان که بازوبند، کمربند و سربند نارنجی بر تن داشتند و با خود پرچم‌های نارنجی حمل می‌کردند، خواستار اعلام پیروزی یوشچنکو بودند. آن‌ها با تجمع در خیابان‌ها و مقابل ساختمان‌های اصلی دولت مانع کار نهادهای رسمی سیاسی شدند. سرانجام با پا در میانی اروپا و امریکا، دیوان عالی این کشور، انتخابات را باطل اعلام نمود و انتخابات مجدد با حدود 12000 ناظر بین‌المللی برگزار و یوشچنکو با کمک تبلیغات امریکا و اروپا رئیس جمهور اوکراین گردید.

**عملیات انقلاب نارنجی اوکراین از این فرایند برخوردار بود:** شامل تزریق کمک‌های مالی امریکا و غرب به مخالفان دولت، متهم نمودن دولت به خشونت و ترور مخالفان، فساد مالی، اداری و سیاسی، القای ناکارآمدی دولت، تصویر سازی مطلوب از نامزد غرب و مخدوش جلوه دادن نامزد مخالفان، جابه‌جایی افکار عمومی از طریق پخش شایعه، القای تقلب در انتخابات، مخالفت با نتایج انتخابات و فراخوان مخالفان به نافرمانی مدنی، پوشش گسترده تحولات اوکراین توسط شبکه‌های غربی و هدایت افکار عمومی، بر هم زدن نظم و امنیت عمومی و اشغال اماکن دولتی بود. (فصلنامه علمی، تخصصی عملیات روانی، 1388، 69).

بررسی موقعیت‌ها<sup>۱</sup> در این انقلاب، نشان از هدایت و حمایت بیگانگان دارد. ویکتور یوشچنکو مورد تأیید بنیاد ملی برای دموکراسی<sup>۲</sup>، مؤسسه‌ی خانه آزادی<sup>۳</sup> و انستیتو جامعه‌ی باز<sup>۴</sup> متعلق به جورج سوروس بود.

- 
1. Conditions
  2. National Endowment for Democracy
  3. Freedom house
  4. Open society institute

در این میان، بنیاد ملی برای دموکراسی، به تنهایی چهار مؤسسه‌ی متعلق به خود یعنی مؤسسه‌ی بین‌المللی جمهوری خواه، مؤسسه‌ی دموکراتیک ملی برای روابط بین‌الملل، مرکز بین‌المللی بنگاه‌های خصوصی و مرکز امریکایی برای همبستگی بین‌المللی کار، به منظور ایجاد تغییر در اوکراین فعال نموده بود. خانه‌ی آزادی، به همراه مؤسسه‌ی جمهوری خواه بین‌المللی، به نوبه‌ی خود درگیر ارزیابی منصفانه بودن انتخابات و در بیست و پنج منطقه به عنوان کارکنان محلی حضور داشتند. ناظران خارجی حرفه‌ای نیز از طرف نهادهایی مانند اتحادیه اروپایی حضور داشتند؛ اما انتخابات اوکراین مانند موارد پیش از آن، هزاران ناظر انتخاباتی محلی نیز داشت که از طرف گروه‌های غربی، تعلیم یافته و حقوق دریافت می‌کردند. آن‌ها همچنین نظرسنجی‌های خروجی از حوزه‌های اخذ رأی را سازمان می‌دادند. در شب انتخابات، این نظرسنجی‌ها را، 11 واحد جلو نشان دادند و زمینه را برای آنچه اتفاق افتاده، مهیا کردند. جنبش جوانان پورا که بودجه‌ی آن از طرف مؤسسه‌ی جامعه باز سوروس تأمین می‌شود، بخشی از روندی است که بالغ بر 10000 فعال دانشجویی را در بر می‌گیرد. جنبش جوانان پورا که از طرف ائتلاف سازمان‌های غیر دولتی اوکراین برای آزادی انتخاب<sup>1</sup> حمایت می‌شود، با توجه به مدل جنبش دانشجویی اوتپور<sup>2</sup> در صربستان و کمارا<sup>3</sup> در گرجستان تشکیل شده است.

ائتلاف برای آزادی انتخاب اوکراین، به عنوان نوعی چتر سازمان عمل می‌کرد. این سازمان غیر دولتی، مستقیماً از طرف سفارتخانه‌های امریکا و انگلیس در کیف، و از طرف آلمان از طریق نهاد فردریش ابرت اشتیفتونگ<sup>4</sup> (که نهاد مرتبط با سوسیال دموکرات‌های حاکم است)، حمایت می‌شد. از میان شرکای اصلی و آژانس‌های تأمین

---

1. Freedom of choice of Ukrainian N.G.Os

2. Otpore

3. Komara

4. Fredrich Ebert Stiftung

کننده بودجه‌ی آن، از آژانس امریکایی برای توسعه‌ی بین‌المللی<sup>۱</sup>، آژانس کانادایی برای توسعه‌ی بین‌المللی<sup>۲</sup>، بانک جهانی و بنیاد چارلز استوارت موت می‌توان نام برد. ائتلاف برای آزادی انتخابات در اوکراین، برای پورا کمک مالی جمع‌آوری و بودجه‌ی آن را تأمین می‌کرد. (پور سعید، 1387، 15-16)

به لحاظ ساختاری نیز، ساختار اقتصادی اوکراین شامل تولیدات صنعتی 35٪، کشاورزی 13٪، ساختمانی 9٪، بازرگانی 5٪ و خدمات 38٪ از تولیدات ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده بود. در عین حال ثروت و قدرت اقتصادی کاملاً انحصاری و در اختیار گروه‌های خاص و عمدتاً طرفداران روسیه قرار داشت. برای مثال، گروه دانتسک به رهبری احمدوف در شرق اوکراین، گروه دنیروپتروفسک به رهبری داماد کوچما و گروه کیف به رهبری مدودچوک رئیس نهاد ریاست جمهوری کوچما، در حقیقت الیگارش‌ی اقتصادی کوچما را در اختیار داشتند.

از سوی دیگر، عدم توزیع عادلانه سرمایه‌گذاری‌ها و صنایع، عملاً کشور مذکور را به دو قطب تبدیل نموده بود. در خصوص ساختار اجتماعی نیز می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

**1** رواج فساد اداری و حکومتی، موجب نارضایتی شدید مردم، که قریب 70٪ از آن‌ها در زیر خط فقر (ماهانه حدود 100 دلار) زندگی می‌کردند، شده بود.

**2** به لحاظ جمعیت شناختی، جمعیت 50 میلیونی اوکراین شامل 73٪ اوکراینی، 23٪ روس و مابقی یهودی، بلاروس و مولداو می‌باشند. از نظر مذهبی، شرق اوکراین، ارتدوکس و غرب آن عمدتاً کاتولیک هستند.

**3** سابقه‌ی تاریخی اوکراین نیز باعث گردیده که عملاً کشور به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شود. بخش شرقی، منطقه‌ی صنعتی است و مردم آن به زبان روسی تکلم

---

5. NSAID

6. CIDA

می‌کنند، منطقه‌ی غربی نیز عمدتاً کشاورزی است و مردم اوکراینی زبان آن، گرایش‌های گریز از مرکز داشته و خود را متعلق به اروپای غربی می‌دانند. در واقع تا جنگ جهانی اول، بخشی از منطقه‌ی غرب اوکراین به امپراطوری اتریش - مجارستان تعلق داشت و پس از جنگ جهانی دوم توسط استالین به روسیه ضمیمه شد. (همان منبع، 16-17)

امریکا و سایر کشورهای غربی با توجه به نقاط ضعفی که در حوزه‌های مختلف در کشور اوکراین وجود داشت و از سوی دیگر با اقدامات گسترده برنامه ریزی شده توانستند به بهانه‌ی انتخابات، سقوط دولت را در این کشور مهیا نمایند. مهم‌ترین مسئله اوکراین در شرایط کنونی، دعوت ناتو از این کشور برای پیوستن به پیمان نظامی کشورهای غربی است؛ با توجه به جایگاه خاصی که از نظر امنیتی برای روسیه دارد این کشور با شدت مخالف این جریان است.

### ج) انقلاب گل لاله‌ای (صورتی یا زرد) در قرقیزستان

جمهوری قرقیزستان، اگر چه دارای منابع طبیعی نفت و گاز نیست، به علت هم مرز بودن با افغانستان و چین، اهمیت راهبردی بسیار ویژه‌ای برای امریکا دارد. با وقوع یازده سپتامبر، این کشور مورد توجه خاص حکام کاخ سفید قرار گرفت. بر همین اساس، دولت امریکا به فکر جابه‌جایی قدرت در این کشور و تثبیت موقعیت خود در قرقیزستان افتاد و در سال 2005 م. با رد صلاحیت نامزدهای مخالف دولت در پارلمان، جرقه‌های انقلاب مخملی در این کشور زده شد.

این کشور با مساحتی حدود 198500 کیلومتر مربع در شمال شرقی آسیای مرکزی قرار دارد و یکی دیگر از کشورهای حوزه‌ی پسا کمونیستی است که شاهد وقوع انقلاب رنگی بوده است. این کشور بلافاصله پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، به یکی از دریافت کنندگان عمده‌ی کمک مالی تبدیل گشت و بیش از سایر کشورهای آسیای مرکزی از کمک‌های خارجی بهره‌امند شد و این روند هم اکنون

همچنان ادامه دارد.

یکی از مهم‌ترین کشورهای عضو جامعه‌ی مشترک المنافع که مورد هدف انقلاب مخملین قرار گرفت، قرقیزستان بود. جمهوری قرقیزستان در میان تمامی جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان یک جمهوری دموکراتیک مشهور بود. شخصیت آقایف، رئیس جمهور آن نیز با سابقه ایجاد نهادهای اجتماعی و سیاسی مختلف به تقویت چنین تصویری کمک کرده بود. (موسوی، 1384، 155)

انقلاب لاله‌ای قرقیزستان که نسبت به سایر انقلاب‌های رنگی با خشونت و پراکندگی بیشتری به وقوع پیوست، در مراحل اولیه از سوی رسانه‌ها با عناوینی نظیر **صورتی**، **لیمویی**، **ابریشمی**، **نرگس** و **سنبل** نامیده می‌شد. زیرا مخالفان در نواحی مختلف، رنگ‌های متفاوتی را برای تظاهرات انتخاب کردند که عمده‌ی آن‌ها صورتی و زرد بودند. به هر روی در حالی که سال 2004 در قرقیزستان سال **بسیج اجتماعی و حکمرانی خوب** نام‌گذاری شده بود، در سال 2005، نظام تک‌نفره‌ی **عسگر آقایف** توسط انقلاب رنگی ساقط شد و در نهایت به سبب هم‌زمانی این تحولات با فصل بهار و رویش بیش از شصت نوع لاله در این کشور، نام **انقلاب لاله** بر آن نهاده شد. (بهمن، 1388، 146-147)

بررسی موقعیت‌ها نشان می‌دهد که انقلاب مخملی قرقیزستان، سریع‌ترین انقلاب در میان جمهوری‌های تازه استقلال یافته بود. با نگاهی به تقویم، رخدادها از 27 فوریه 2005 تا سقوط آقایف، در مدت حداکثر یک ماه (25 مارس 2005) به وقوع پیوست. اعتراض‌های توده‌ای که به ویژه در بخش جنوبی و فقیر نشین آن کشور آغاز شد، ناشی از بی‌کفایتی دولت در از بین بردن فقر در کشور بود. جنبش مقاومت جوانان تحت عنوان «**کیل کیل**» گروه‌ها و احزاب سیاسی و نهادهای غیر دولتی‌ای که بالغ بر یک‌صد و هفتاد مورد از آن‌ها، مستقیماً از طریق مؤسسه‌ی دموکراتیک ملی، یعنی نهاد وابسته به حزب دموکرات قرقیزستان، فعالیت می‌کنند و سرمایه آن‌ها توسط جورج سوروس میلیاردر معروف امریکایی و سازمان کمک ملی برای دموکراسی تأمین می‌شود،



توانستند از گسست موجود بهره برداری نمایند. به لحاظ ساختار سیاسی نیز قرقیزستان وابسته به برادر بزرگ‌تر مسکو بود. در حقیقت، بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای تازه استقلال یافته، عملاً استقلال به دست نیاوردند؛ بلکه در جریان انتخابات، همان نخبگان گذشته زمام امور را در دست گرفتند. برای نمونه، می‌توان به گرجستان و قرقیزستان اشاره کرد. شوارد نادزه وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سابق در جریان سه دوره به ریاست جمهوری رسید. آقایف نیز به عنوان رئیس جمهور گذشته، بعد از استقلال، دوباره به ریاست جمهوری رسید. بنابراین این جمهوری‌ها نوعی شبه استقلال را تجربه نموده‌اند و به دلیل کاهش کارایی، به سرعت با بحران مشروعیت مواجه شدند. (پور سعید، همان، 19-17)

به هر روی، تحولات موسوم به انقلاب لاله‌ای در قرقیزستان نیز همانند گرجستان و اوکراین، با آغاز فعالیت‌های انتخابات پارلمانی این کشور در سال 2005 م، آغاز شد. روند اعتراض‌ها در شرایطی شدت گرفت که در اواخر فوریه‌ی 2005 م، و در جریان برگزاری انتخابات پارلمانی قرقیزستان، تعداد زیادی از کاندیداهای مستقل و کاندیداهای گروه‌های مخالف، رد صلاحیت شدند و از امکان شرکت در انتخابات محروم گشتند. در این بین علی‌رغم اطمینان‌های دولت قرقیزستان برای برگزاری انتخاباتی آزاد و عاری از هر گونه فساد، دخالت دولت، دست‌کاری و تقلب آراء، با این حال از گوشه و کنار قرقیزستان، مخالفت‌هایی شروع شد و طی آن مردم به روند ناسالم انتخاباتی معترض گردیدند. همچنین مخالفان معتقد بودند که طرفداران آقایف علاوه بر اینکه قصد دارند اکثریت پارلمان را به دست گیرند، بلکه در حال تلاش برای اختصاص دو کرسی از کرسی‌های پارلمان به دختر و پسر آقایف هستند تا بدین ترتیب راه را برای اصلاح قانون اساسی و امکان ابقای آقایف در مقام ریاست جمهوری فراهم نمایند. (بهمن، همان، 149-148)

از این رو انتخابات پارلمان که مقدمه‌ای برای انتخابات ریاست جمهوری در اکتبر

2005 م، به شمار می‌رفت، با اعتراض مخالفان در برخی شهرهای مهم جنوبی قرقیزستان نظیر شهر اوش و جلال‌آباد که همواره به اعمال تبعیض علیه خود معترض بودند، آغاز شد و به تدریج به پایتخت قرقیزستان نیز سرایت کرد. همچنین افرادی نظیر رزا او تو نیاووا وزیر امور خارجه‌ی سابق و مدتکن شیرم قلووف رئیس سابق مجلس نیز دست به اعتراض زدند. ضمن آنکه اعتراض هواداران جنبش آتایورت نسبت به رد صلاحیت رزا او تو نیاووا، رهبر این جنبش برای شرکت در انتخابات پارلمان، به برپا کردن دو چادر در برابر ساختمان مجلس و به تن کردن لباس‌های نارنجی و قرمز انجامید. (همان منبع، 149)

به هر روی، دور اول انتخابات پارلمانی قرقیزستان در فوریه 2005 م، برگزار شد؛ اما با اعلام نتایج آن و متهم شدن دولت به تقلب، جنوب کشور کاملاً متشنج و گروهی از مردم به سوی بیشکک، پایتخت، روانه شدند. با برگزاری مرحله‌ی دوم انتخابات در 13 مارس، خشونت و غارت علیه ساختمان‌های دولتی رخ داده و در 24 مارس تعداد کمی از مخالفان که از حمایت پلیس نیز برخوردار بودند، وارد کاخ ریاست جمهوری شدند. در این شرایط آقایی از مرز قزاقستان خارج و به مسکو پناهنده شد و باقی‌اف به عنوان رئیس جمهور موقت انتخاب گردید. (جمعی از نویسندگان، 1389، 183-182)

### وجوه اشتراک انقلاب‌های رنگین یا مخملی

وجوه اشتراک انقلاب‌های رنگین در سه کشور گرجستان، اوکراین و قرقیزستان به شرح ذیل است که به موارد عمده‌ی آن‌ها اشاره می‌شود.

1- در هر سه کشور، انتخابات محمل مشترک انقلاب‌های رنگی بود. از یک طرف رهبران اپوزیسیون با همراهی مردم خواهان برگزاری انتخابات سراسری و آزاد به عنوان پیش شرط تحول بودند و از طرف دیگر بعد از برگزاری انتخابات، دولت حاکم و مجری انتخابات، متهم به تقلب در آرای مردم می‌شد. در واقع انتخابات نمادی تحریک‌کننده و

- بستر ساز برای بهره‌گیری از اعتراضات گسترده‌ی مردمی در جهت ایجاد تحول بود.
- 2- در هر سه کشور، امریکا و غرب حامی معنوی، تبلیغاتی و پشتیبانی کننده‌ی انقلاب‌های رنگی بود و حتی خشم روسیه مانع از این حمایت‌ها نگردید. بر این اساس، در هر سه انقلاب، امریکایی‌ها فعال و روس‌ها ناکام و منفعل بودند. در واقع از منظر تظاهرکنندگان، امریکا حامی و دوست آن‌ها و روسیه، دشمن اصلی کشور تلقی می‌شد.
- 3- سفارتخانه‌های کشورهای غربی در این سه کشور، به ویژه سفارت امریکا در زمان انقلاب رنگی یا مخملی با افزایش فعالیت‌های خود نقش مهمی را در وقوع تحولات بر عهده داشتند.
- 4- گروه‌های غیر دولتی (N.G.O) وظیفه‌ی اصلی بسیج نیروها و سازماندهی تشکیلاتی توده‌ها را بر عهده داشتند.
- 5- رهبران جنبش‌های توده‌ای از جمله **جنبش کمارا** در گرجستان، **جنبش جوانان پورا** در اوکراین و **جنبش مقاومت جوانان کل کل** در قرقیزستان، جملگی با بنیادها و مؤسسه‌های طراح و هدایتگر انقلاب‌های بدون خشونت در ارتباط بوده و توسط کارشناسان آن مجموعه‌ها آموزش‌های ویژه دیده بودند.
- 6- سناریوی براندازی در هر سه کشور دارای رهبرانی بود که به شدت به سوی غرب و امریکا گرایش داشتند.
- 7- رهبران اصلی انقلاب‌های رنگی در هر سه کشور، پیش از وقوع انقلاب دارای سمت‌های مهمی چون صدارت، وزارت و یا نمایندگی پارلمان بوده‌اند. در واقع میخائیل ساکا شویلی در گرجستان، یوشچنکو در اوکراین و باقی اف رئیس پارلمان قرقیزستان از درون حاکمیت، سر برآورد و شروع به مخالفت کردند. بر این اساس رهبران جناح پیروز بخشی از حاکمیت بودند.
- 8- در هر سه کشور با ناکارآمد نشان دادن رهبران موجود، رهبر مخالفان به عنوان ناجی کشور توسط رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغی انقلابیون و هواداران غربی آن‌ها

معرفی می‌شد. ساکاشویلی در گرجستان، یوشچنکو در اوکراین و کولوف در قرقیزستان چنین نقشی را در این سناریو بر عهده داشتند.

9- وسایل ارتباط جمعی به ویژه رسانه‌های غربی نقش کلیدی را در شکل دهی افکار عمومی بر عهده داشتند.

10- بنیادهای غیر دولتی امریکایی - اسرائیلی نظیر بنیاد سوروس و... به این انقلاب‌ها، حمایت‌های مختلف مالی، تبلیغی، آموزشی و تدارکاتی می‌کردند و با اپوزیسیون در ارتباط مستقیم بودند.

11- بهره‌گیری از نمادها همچون رنگ نارنجی، گل رز، گل لاله، شعارها و... برای ایجاد همبستگی اجتماعی از وجوه مشترک این سه انقلاب رنگین بود.

12- هر سه انقلاب واجد وصف مسالمت‌جویانه بودند. به این معنا که نیروهای انتظامی و نظامی تنها وضعیت را کنترل کرده و برای سرکوب مخالفین دست به کشتار وسیع نزدند.

13- محاصره و تصرف مراکز دولتی و نقاط حساس کشور نیز از دیگر اقدامات مشترکی بود که در هر سه کشور برای فشار به دولت حاکم انجام گرفت. (جمعی از نویسندگان، همان، 188 - 187)

### شیوه‌ها و ابزارهای انقلاب‌های رنگین یا مخملی

در انقلاب‌های مخملی یا رنگی از شیوه‌ها و شگردهای مختلف پیچیده و همین‌طور از ابزارهای گوناگونی برای تغییر حاکمیت بهره‌برداری می‌کنند. در این قسمت به موارد عمده‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

**1) عملیات روانی:** عملیات روانی به طرح‌ها و اقداماتی گفته می‌شود که به دنبال تشویش، تهییج، تحریک و تغییر افکار عمومی حول یک مسئله‌ی مشخص و با اهداف ازپیش‌تعیین‌شده می‌باشد. بر همین اساس، عملیات روانی یک طرح و اقدام اطلاعاتی

با اهداف پنهان است. در چهارچوب اعمال تهدیدات نرم، عملیات روانی تقریباً به طور کامل بر هدف مرجع افکار عمومی متمرکز است و می‌تواند به نتایجی همچون راه اندازی یک رفتار جمعی مانند اعتراض و اغتشاش منجر شود. عملیات روانی همچنین بر پایه یک تصمیم، یک یا مجموعه‌ای از حوادث، یک پدیده و یک یا مجموعه‌ای از اقدامات طراحی و به مرحله‌ی اجرا گذاشته می‌شود. شایعه پراکنی، سیاه‌نمایی، بزرگ‌نمایی و کاریکاتوریزه کردن از جمله مهم‌ترین شیوه‌های عملیات روانی می‌باشد. بر همین اساس، عملیات روانی نیاز به مجموعه‌ای از زیرساخت‌ها خصوصاً رسانه‌های پخش و به خصوص رسانه‌های سیاه و خاکستری دارد. همچنین مستلزم شناخت کامل محیط هدف می‌باشد. از عملیات روانی بیشتر به عنوان سلاح پشتیبانی کننده استفاده می‌شود. بنابراین، به طور مستقل از کارایی زیادی برخوردار نیست و بیشتر تکمیل کننده‌ی طرح‌های کلان‌تر است. (گروه مطالعاتی دانشکده‌ی امنیت ملی، 1388، 119-118)

در انقلاب‌های رنگین، دشمنان با شیوه‌ی عملیات روانی به طور بسیار گسترده و وسیع به دنبال تخریب و تضعیف همه جان‌ه‌ نقاط قوت جامعه هدف بوده و از سوی دیگر در پی تبلیغ و ترویج فرهنگ مهاجم در کشورهای مدنظر می‌باشند و با این ترفند نقشه‌های عملیاتی خود را اجرا می‌کنند.

**2) رسانه‌ها:** در عصر کنونی وسایل ارتباط جمعی در تمامی کشورهای دنیا نقش بسیار مهم و حساسی را ایفا می‌نمایند و این نقش در زمینه‌های مختلف از جمله سیاسی و فرهنگی از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار بوده و به نوعی با امنیت ملی کشورها مرتبط است.

اهمیت رسانه‌های گروهی تا حدی است که دانشمندان در تقسیم بندی مراحل تاریخی تمدن بشر، آن را لحاظ کرده‌اند. *الوین تافلر* تمدن بشری را به سه مرحله تقسیم می‌کند که شامل مرحله‌ی کشاورزی، مرحله‌ی صنعتی و مرحله‌ی فرا صنعتی یا عصر ارتباطات و اطلاعات است. در عصر فرا صنعتی، قدرت در دست کسانی است که

شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی را در اختیار خود دارند.

**مک لوهان** دانشمند کانادایی در نظریه‌ی دیگری، تاریخ بشر را به سه دوره یعنی عصر فرهنگ شفاهی، عصر تمدن چاپی و عصر الکترونیک تقسیم می‌کند. در عصر الکترونیک، قدرت در دست صاحبان شبکه‌های تلویزیونی و شبکه‌های کامپیوتری و ماهواره‌هاست. (مهرداد، 1380، 159-158)

بر همین اساس، ابزارهای رسانه‌ای به عنوان یکی از ابزارهای بسیار مهم و حائز اهمیت و مؤثر در انقلاب‌های مخملی و عصر استعمار فرانو بوده و هستند. عمده‌ی اقدامات در برپایی و اجرای انقلاب‌های غیر خشونت آمیز از طریق رسانه‌های پر قدرت انجام می‌پذیرد؛ و گروهی بر این باور هستند که این گونه انقلاب‌ها در واقع انقلاب رسانه‌ای می‌باشد.

**3) نافرمانی مدنی:** یکی از شیوه‌های تغییر و دگرگونی سیاسی، نافرمانی مدنی است. ابتدا این روش را گاندی، رهبر استقلال هند از طریق مبارزه‌ی منفی یا نافرمانی مدنی، علیه مقابله با استعمار انگلیس به کار گرفت. در عصر کنونی ساموئل هانتینگتون آن را با شیوه‌ی نوینی ارائه کرد. وی نافرمانی مدنی را در ذیل امواج سه‌گانه‌ی دموکراسی در قرون نوزدهم و بیستم مطرح نمود. به نظر ایشان، اکثر کشورهای دنیا طی سه موج از حکومت‌های اقتدارگرا عبور کرده و به حکومت‌های دموکراتیک رسیده‌اند. وی برای تغییر حکومت‌های به اصطلاح اقتدارگر و مخالف دولت امریکا توصیه‌هایی را بیان داشته است که در شرایط کنونی به عنوان **انقلاب‌های رنگین** از آن‌ها بهره برداری می‌شود.

نافرمانی مدنی از نظر اصطلاحی عبارت است از: ((هر اقدام قانون شکنانه آشکار و عمدی که با هدف جلب توجه همگان به نامشروع بودن برخی قوانین یا نادرستی آن‌ها از جنبه اخلاقی و عقلانی، صورت می‌گیرد. (آقا بخشی و افشاری راد، 1379، 85) یا ((اقدامی سیاسی که در آن از اقتدار حکومتی به نشانه‌ی اعتراض اخلاقی، سرپیچی می‌شود)) (ملک لین، 1381، 563)

در ادبیات سیاسی، از نافرمانی مدنی، با تعابیر دیگری مانند: نافرمانی عمومی، مقاومت مخفی، مبارزه بدون خشونت، مبارزه منفی، مقاومت ملایم، عدم اطاعت از حکومت یاد شده است؛ یکی از ابزارهای عمده در به‌کارگیری انقلاب‌های رنگین توسط کشورهای استکباری نافرمانی مدنی در حوزه‌های مختلف برای براندازی نرم است.

**4) ایجاد نا امنی و نا آرامی:** از جمله ابزارهای دیگر انقلاب‌های رنگین، ایجاد نا آرامی و نا امنی در جامعه است. قتل، انفجار، سرقت، راه‌بندان و مانند آن، علاوه بر اینکه فضایی نا امن برای طرفداران نظام فراهم می‌کند، برای نشان دادن بی‌ثباتی در کشور هدف، مورد بهره‌برداری خبرگزاری‌ها در ایجاد جنگ رسانه‌ای قرار می‌گیرد. بر همین پایه مجریان انقلاب رنگی فضای نا امنی را فراهم می‌کنند تا با تبلیغات پیرامون آن، بیشترین استفاده را ببرند. (لطیفی پاکده، 1389، 109)

**5) تمرکز بر مسئله انتخابات و توجه به آن:** همان‌گونه که در وجوه مشترک انقلاب‌های رنگین کشورهای گرجستان، اوکراین و قرقیزستان مطرح گردید در هر سه کشور، **انتخابات** محمل مشترک انقلاب‌های رنگی بود. از یک طرف رهبران اپوزیسیون با همراهی مردم خواهان برگزاری انتخابات سراسری و آزاد به عنوان پیش شرط تحول بودند و از طرف دیگر بعد از برگزاری انتخابات، دولت حاکم و مجری انتخابات، متهم به تقلب در آرای مردم می‌شد. در واقع انتخابات نمادی تحریک‌کننده و بسترساز برای بهره‌گیری از اعتراضات گسترده‌ی مردمی در جهت ایجاد تحول بود. استکبار جهانی در بحث انتخابات ریاست جمهوری سال 1388 در جمهوری اسلامی ایران به منظور براندازی نرم از آن بهره‌برداری حداکثری و گسترده‌ای نمودند. به طوری که بنیاد سوروس در خبرهای سال 1388 اعلام نمود برای براندازی نرم نظام جمهوری اسلامی ایران چندین برابر سه کشور آسیای میانه و قفقاز هزینه کردیم اما موفق و پیروز نشدیم. البته برای اجرای انقلاب‌های رنگین از ابزارهای مختلف دیگری مانند جذب مخالفان حکومت، فعال کردن چهره‌های سیاسی مخالف، جنگ رایانه‌ای، حمایت همه

جان‌فراگیر از مخالفین، ترویج و تبلیغ مقاومت‌های غیر خشونت‌آمیز - عدم همکاری با نیروهای امنیتی و پلیس - بی‌توجهی به قوانین و هنجارهای رسمی کشور، عدم همکاری اقتصادی در حوزه‌های مختلف داخلی و بین‌المللی، روش عدم همکاری با دولت، روش اعتراض در زمینه‌های مختلف، اقدام گسترده غیر خشونت‌آمیز و... می‌باشد که به علت محدود بودن این مقاله به آن‌ها پرداخته نشده است.

### بنیادها و سازمان‌های طراح انقلاب رنگین یا مخملی

در این قسمت به معرفی برخی از فعال‌ترین نهادهای حامی انقلاب‌های رنگین که حضور مستقیمی در تحولات کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق در این سال‌ها داشته‌اند، می‌پردازیم. البته تعداد این گونه مؤسسه‌ها بسیار زیاد است به طوری که معاون خارجی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران اسامی 60 بنیاد و مؤسسه‌ی مرتبط با جنگ نرم را که علیه ایران فعالیت داشته‌اند در روزنامه‌ی جام جم مورخه 1389/1/4 رسماً به اسم اعلام نمودند.

#### 1) بنیاد جامعه‌ی باز<sup>1</sup> (بنیاد سوروس)

سوروس در اصل یک یهودی مجارستانی است که در سال 1930 م، در بوداپست متولد شده است. او در سال 1947 به غرب گریخت؛ در دانشگاه لندن درس اقتصاد خواند و بسیار تحت تأثیر اندیشه‌های کارل پوپر قرار گرفت. وی در سال 1956 به آمریکا رفت و از طریق معاملات ارز، ثروت هنگفتی اندوخت. سوروس مؤسسه‌ی جامعه‌ی باز را در سال 1979 م، در نیویورک ایجاد کرد. امروزه او شبکه‌ای از این قبیل مؤسسه‌ها را در سرتاسر اروپای مرکزی و شرقی، شوروی سابق و اوراسیای مرکزی و همچنین آفریقای جنوبی، گواتمالا، ایالات متحده و... دارد. وی کتاب‌هایی نیز

---

1. Institute Society Open



در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی چاپ و منتشر کرده است. او همچنین مؤسسه‌هایی چون بنیاد ملی برای دموکراسی و مؤسسه‌ی خانه‌ی آزادی را نیز زیر نظر دارد. (آراکلیان، 1383، سایت باشگاه اندیشه)

سوروس فقط در سال 2003 م، مبلغی معادل 20 میلیون دلار به منظور حمایت از جنبش‌های اصلاح طلب در پنج کشور آسیای مرکزی یعنی قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان هزینه کرده است. او حتی در مصاحبه‌ای که در ماه جولای سال 2004 م، با روزنامه‌ی لوس آنجلس تایمز داشت اعلام کرد که ((من دوست دارم سناریوی مشابه وقایعی که در گرجستان به وقوع پیوسته‌اند، در پنج کشور آسیای مرکزی تکرار شوند)) (آراکلیان، پیشین)

سوروس در انقلاب‌های رنگین کشورهای گرجستان، قرقیزستان، اوکراین، آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای دیگر که مد نظر دولت امریکا بوده است نقش کلیدی و فعالی داشته و بخش عمده‌ی رسانه‌های بین‌المللی در اختیار این مؤسسه‌ی برانداز نرم به منظور انقلاب‌های رنگین می‌باشد.

## 2) بنیاد ملی برای دموکراسی<sup>1</sup>

این بنیاد مرکز تئوریزه کردن عقاید افراطی نئو محافظه کاران است که در دوره‌ی اول ریاست جمهوری رونالد ریگان و توسط کنگره‌ی امریکا تأسیس شد و هدف آن واگذاری برخی وظایف سازمان سیا به بخش خصوصی و مبراً کردن واشنگتن از اتهام مداخله جویی در امور دیگر کشورها می‌باشد. این مؤسسه، خود را تشکیلاتی می‌داند که غیر انتفاعی، غیر دولتی، دو حزبی و ارائه کننده‌ی کمک‌های مختلف است، و وظیفه آن تلاش برای تحکیم دموکراسی در اقصی نقاط جهان می‌باشد. تأسیس مؤسسه‌ی کمک ملی به دموکراسی (N.E.D) در حقیقت با هدف تقویت تأثیرگذاری سیاسی ایالات

---

1. National Endowment For Democracy

متحده در نقاط مختلف جهان صورت گرفت؛ چرا که با وجود قانون ممنوعیت سیا از ورود به مباحث دموکراتیک، نقش برون مرزی امریکا تضعیف شده بود و وابستگان آن پیوسته با اتهاماتی روبرو بودند که حاکی از پشتیبانی آن‌ها از نامزدهای مخالف و پیشبرد حرکت‌های خرابکارانه در کشورهایی است که دولت‌هایشان با وجود آنکه از طریق دموکراتیک انتخاب شده‌اند، تهدیدی برای منافع ایالات متحده به حساب می‌آیند. (ایدئولوژی و ژئوپولیتیک کودتاهای مخملی))، سایت باشگاه اندیشه، 1386/5/29

### 3) خانه‌ی آزادی<sup>1</sup>

خانه‌ی آزادی، یک ماشین تبلیغاتی است که توسط روزولت به منظور آماده‌سازی افکار عمومی امریکا برای جنگ ایجاد شد. این مؤسسه، سازمانی به‌غایت محافظه‌کار است و به کلی از سوی امریکا تأمین مالی می‌شود. این کمک‌ها از سوی آژانس کمک امریکا برای توسعه‌ی بین‌المللی سرازیر می‌شود. این آژانس می‌کوشد تا به کمک‌های اقتصادی، توسعه‌ای و نوع دوستانه در سرتاسر دنیا، از اهداف سیاست خارجی ایالات متحده حمایت کند. بر اساس گزارش‌های موجود از سال 2003 م، جیمز ولسی، رئیس سازمان سیا بین سال‌های 1993 و 1995 م، طراح سیاست امریکا در قبال عراق و مشاور بسیاری از مؤسسه‌های نئو محافظه‌کار، رئیس خانه‌ی آزادی بوده است. بر اساس این گزارش‌ها، ساموئل هانتینگتون ودایانا ویلی یرز نگر و پونته همسر جان نگر و پونته رئیس سازمان اطلاعات ملی امریکا، دیگر اعضای هیئت مدیره و معتمدین خانه‌ی آزادی هستند. بسیاری از این شخصیت‌ها به خاطر ایده‌های محافظه‌کارانه‌ی خود و رابطه‌ی نزدیک با قدرتمندان دولت امریکا، مشهور شده‌اند. (همان منبع)

طی دهه‌ی 90، خانه‌ی آزادی، فعالیت‌های خود را توسعه داد و دفاتری را در

---

1. Freedom House

الجزایر، مجارستان، اردن، قزاقستان، قرقیزستان، مکزیک، ازبکستان، لهستان، رومانی، صربستان و اوکراین گشود. این مؤسسه قصد داشت دفتری را در نیجریه نیز باز کند که به طور موقت از انجام آن منصرف شد. خانه‌ی آزادی برنامه‌ای را هم با همکاری **کانون وکلای امریکا**، برای آموزش مخالفان حقوق بشر اروپای شرقی و مرکزی اجرا کرد. برای این کار دفتری تخصصی در زمینه‌ی نفوذ و مداخله ایجاد شد و این دفتر نیز کار خود را از مدل موجود برای شرکت دادن اتحادیه‌های بازرگانی و کارمندان در فعالیت‌های سرّی شروع کرد. ((مأموریت خانه‌ی آزادی چیست؟))، خبرگزاری فارس، 1388/4/30، شماره 8804301266

#### 4) مؤسسه دموکراتیک ملی برای امور بین‌المللی<sup>1</sup>

رهبری مؤسسه‌ی دموکراتیک ملی برای امور بین‌المللی را مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه سابق امریکا بر عهده دارد. این مسئولیت در زمان ریاست جمهوری کارتر به آلبرایت سپرده شد و همچنان در اختیار اوست. این مؤسسه با اینکه ادعای استقلال دارد؛ اما ارتباطات آن با حزب دموکرات بسیار نزدیک است.

آوازه‌ی ستیزه جویی‌های این مؤسسه عالم‌گیر است و در سراسر دنیا بسته به اینکه در مورد آن از چه گروه‌هایی پرسش می‌شود، از آن با عناوینی نظیر کمک‌کننده، مداخله‌گر، توطئه‌گر محض و... یاد می‌شود. در برخی از نقاط دنیا اقدامات این سازمان مورد تمجید حامیان دموکراسی قرار گرفته است. با این حال، در بسیاری از جمهوری‌های جهان سومی نام این مؤسسه با طرح‌های پنهانی روی کار آمدن دولت‌های متمایل به امریکا گره خورده است.

این مؤسسه در برخی از جمهوری‌ها از جمله آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، اوکراین، روسیه و قرقیزستان دفاتر نمایندگی دارد. سازمان‌هایی نظیر **NDI** که واشنگتن

---

1. N.D.I

منابع مالی آن‌ها را تأمین می‌کند به شدت در تلاش هستند تا از رقبای سیاسی فعال در انتخابات پشتیبانی نمایند؛ اما در پاسخ به انتقادهای مطرح شده در خصوص نقش آن‌ها در انتخابات، مدعی می‌شوند که مشارکتشان چیزی جز همکاری‌های خیرخواهانه نیست. (سایت باشگاه اندیشه، پیشین)

از مؤسسه‌های عمده‌ی دیگر می‌توان به مؤسسه آلبرت اینشتن که در زمینه‌ی تئوری پرداز و طراحی سناریوی براندازی در قالب کودتای مخملی فعالیت می‌کند و مرکز مطالعات دفاع استراتژیک بی‌خشونت، این مرکز از جمله مؤسسه‌هایی است که در بخش آموزش کودتای مخملی مشغول است و مختص کشور ایران راه‌اندازی شده و بخش فارسی سایت آن نیز فعال است.

### اهداف انقلاب‌های رنگین یا مخملی

اهداف انقلاب‌های رنگین و مخملی در شرایط کنونی با توجه به کشورهای مختلف مدنظر متفاوت و بسیار پیچیده است. در این قسمت به تعداد عمده‌ای از آن‌ها اشاره می‌گردد.

- 1- تخریب و تضعیف نقاط قوت نظام حاکم.
- 2- ترویج و تبلیغ فراگیر فرهنگ غرب و لیبرالیسم.
- 3- ایجاد تغییر و تحول در باورهای افکار عمومی.
- 4- ایجاد تغییر در گرایش‌ها و احساسات کشورهای مد نظر.
- 5- ایجاد تغییر در رفتارهای جامعه‌ی هدف.
- 6- فعال کردن عملیات روانی در حوزه‌های مختلف.
- 7- ناکارآمد جلوه نمودن نظام سیاسی حاکم.
- 8- دامن زدن به نارسایی‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و...
- 9- القای یأس و ناامیدی در ابعاد گوناگون.
- 10- سرنگونی نظام سیاسی حاکم و جایگزین نمودن حاکمان سیاسی مورد تأیید

غرب و دولت امریکا و...

## ویژگی‌ها و مشخصه‌های انقلاب‌های رنگی

همه‌ی تغییر و تحولات سیاسی که از آن‌ها به عنوان انقلاب‌های رنگین یا مخملی یاد می‌شود در علل و شکل تحولات از ویژگی‌های پیوسته و همگونی برخوردارند که در این قسمت به بعضی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

1- این انقلاب‌ها بدون ابزارهای خشونت آمیز و با راه‌پیمایی‌های خیابانی صورت می‌گیرند.

2- شعار همه تظاهر کنندگان، دموکراسی خواهی و لیبرالیسم است.

3- نقش دانشجویان و نهادهای غیر دولتی در آن‌ها پر رنگ است.

4- همه‌ی آن‌ها به طور مستقیم یا غیر مستقیم از حمایت امریکا و غرب برخوردارند.

5- در این انقلاب‌ها برچسب‌هایی ناروا چون دزدی، قتل، دروغ‌گویی و... به حریف نسبت داده می‌شود.

6- در انقلاب‌های رنگین با استفاده از آمارهای ساختگی و سایر شیوه‌های جنگ روانی از جمله کلی‌گویی، پاره‌ای از حقیقت را گفتن، اهریمن‌سازی و... وضع موجود را بسیار مصیبت بار نشان داده تا نارضایتی مردم را نسبت به آن افزایش دهند.

7- بهره‌گیری از جاذبه‌های جنسی برای جذب مخاطبان خویش، به گونه‌ای که در همه‌ی برنامه‌های رسانه‌ای غربی از این جاذبه بیشترین استفاده به عمل می‌آید.

8- ایجاد تفرقه در جامعه و در جبهه‌ی رقیب که باعث عدم انسجام و یکپارچگی می‌شود و رقیب را دچار مشکل می‌سازد.

9- با ترور شخصیت به جای ترور فیزیکی و با استفاده از نظام رسانه‌ای و تبلیغاتی باعث افزایش بیزاری عمومی و کاهش محبوبیت رقیب می‌شوند.

10- سرپیچی از قانون رسمی مورد حمایت همگان در کشور و پیروی از قوانین و

قواعد بین‌المللی مانند حقوق بشر و ترجیح آن بر قوانین بومی.

11- انقلاب‌های رنگی ریشه در توده مردم ندارند، بلکه کم‌شمار و به طبقات بالا دست جامعه مرتبط هستند.

12- رهبری در انقلاب‌های رنگی واحد نیست و چند سر است که هر یک به دلیل نفوذ نسبی می‌توانند بخشی از مردم را به میدان بیاورند.

13- انقلاب‌های رنگی بیشتر حرکتی هستند برای تأمین منافع بیگانگان، لذا پایداری آن‌ها منوط و مشروط به کسب اجازه از اربابان غیر بومی است. (روزنامه رسالت، 1388، 5 و فصلنامه عملیات روانی شماره 9، 1384، 83).

### علل عدم موفقیت انقلاب رنگی در جمهوری اسلامی ایران

جهت‌گیری کلی سیاست خارجی دولت امریکا در برابر ایران، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنی با نظام جمهوری اسلامی و براندازی آن بوده است. امریکایی‌ها در این راه از هیچ اقدامی که آن را مؤثر می‌دانستند، فروگذار نکردند. این اقدامات در دهه‌ی نخست انقلاب اسلامی، یعنی از سال 1357 تا سال 1367 بیشتر نظامی و سخت‌افزاری بود، که به عنوان مثال، می‌توان از جنگ مخرب و خانمان سوز عراق علیه ایران به مدت هشت سال، تجهیز کامل تسلیحاتی و حمایت قاطع سیاسی از رژیم بعث عراق، رویارویی مستقیم ارتش امریکا با ایران در جنگ خلیج فارس، کودتای نظامی نوژه، حمله‌ی نظامی برای آزادسازی گروگان‌های امریکایی در منطقه طبس، حمایت از منافقین در انجام ترورهای کور و ترور شخصیت‌های عالی‌رتبه‌ی نظام مانند: شهدای هفتم تیر، شهدای هشتم شهریور و شهدای محراب، تحریم‌های نظامی و اقتصادی و بایکوت سیاسی در مجامع بین‌المللی نام برد. این سیاست، رویکرد غالب دولت ایالات متحده امریکا در براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران در دهه‌ی اول انقلاب بود.

امریکایی‌ها پس از تحمل شکست‌های پی‌در پی و اذعان به ناکارآمدی این سیاست در سرنگونی نظام جمهوری اسلامی، از دهه‌ی دوم انقلاب، جهت حرکت‌های تخریبی و براندازانه‌ی خود را به سوی پروژه‌های نرم‌افزاری تغییر دادند. اما از دهه‌ی سوم و به طور مشخص از خرداد 1376 به بعد، این رویکرد وارد فاز جدیدی شد. هدف از اجرای این پروژه‌ها اولاً: تهی‌سازی نظام از اصول و ارزش‌های حاکم بر جامعه‌ی دینی و انقلابی ایران و ثانیاً: گسترش ناامنی و بی‌ثباتی در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... بود.

بحث اجرای انقلاب رنگی توسط آمریکا در جمهوری اسلامی ایران تا کنون در طی سه مرحله اجرا گردیده است؛ یکی در حادثه‌ی کوی دانشگاه در 18 تیر 1378 و دیگری در تحصن نمایندگان مجلس ششم در بهمن ماه سال 1382 و به طور بسیار گسترده و فراگیرتر در جریان انتخابات دهم ریاست جمهوری در سال 1388 اتفاق افتاد. در کل استکبار جهانی به رهبری دولت آمریکا تا کنون در راستای دسترسی به اهداف خود ناکام مانده است، بر همین اساس به تعدادی از مهم‌ترین دلایل شکست انقلاب رنگی در ایران اشاره می‌شود.

### 1- فرهنگ اسلامی و قرآنی

یکی از دلایل بسیار مهم و عمده‌ی ناکامی انقلاب رنگی در جمهوری اسلامی ایران حاکمیت اسلام و قوانین اسلامی در بین مردم بوده و هست. تا زمانی که فرهنگ اسلامی و قرآنی بر این جامعه حاکم و جاری باشد، توطئه‌ها و اقدامات مختلف دشمنان داخلی و خارجی چندان کارساز نخواهد بود. بدین ترتیب، خدا محوری و تکیه بر قدرت لایزال الهی هم به عنوان مهم‌ترین نماد ملی و هم مهم‌ترین نماد مذهبی از جایگاه خاصی در فرهنگ ایران زمین برخوردار است و با دو پشتوانه‌ی محکم ملیت و تدبیر می‌تواند از برجسته‌ترین عوامل اتحاد ساز در نظام کشور و در میان تمامی اقشار جامعه به شمار آید و این موضوع، تا کنون، بزرگ‌ترین عامل بازدارنده در مقابل

دشمنان بوده است؛ همان طوری که رهبر معظم انقلاب فرمودند:

من به شما عرض بکنم از اول انقلاب تا امروز - که سی سال می‌گذرد - در حوادث گوناگون، حوادثی که بعضی از آنها می‌توانست یک ملت را، یک نظام را از جا بکند، می‌توانست یک کشور را دچار دریای طوفانی‌ای بکند که ندانند چه می‌کنند و چه باید بکنند - همین طور که می‌بینیم در بعضی از کشورهای همسایه‌ی ما - برای این کشور پیش آمد، اما این کشتی استوار که متکی به ایمان‌های شما، به اراده‌ی شما و به دل‌نورانی شما که به ذکر خدا متکی بود، در این طوفان‌های گوناگون اندک اضطرابی پیدا نکرد. این نشانه‌ی رحمت الهی است؛ این نشانه‌ی تفضلات خداوند به شما ملت عزیز است. (بیانات مقام معظم رهبری در نماز جمعه‌ی تاریخی، 1388/3/29).

## 2- ولایت فقیه

یکی دیگر از نقاط قوت و رموز موفقیت انقلاب اسلامی در مقابل توطئه‌های گوناگون دشمنان داخلی و خارجی، رهبری حکیمانه‌ی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری تا کنون بوده است. اصل ولایت فقیه به عنوان مهم‌ترین رکن نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌رود؛ اصلی که نظام اسلامی را یک نظام دینی قرار داده و سبب امتیاز آن از نظام‌های موجود دنیا شده است.

یکی از ضد انقلابیون در این باره می‌گوید: ولایت فقیه مهم‌ترین سد و مانع برای رسیدن به جامعه‌ی مدنی است و تلاش برای براندازی هیئت حاکمه ایران و حذف ولایت فقیه، از اساسی‌ترین اهداف ما و هواداران ما در ایران است. (نگارش، 1388، 43-42).

ارائه این نوع دیدگاه‌ها از سوی وابستگان دشمن، نشان از این واقعیت دارد که دشمنان، امروز به خوبی دریافته‌اند که رمز استواری، استقلال، عظمت و سربلندی این کشور، اصل مترقی ولایت فقیه است. اصلی که عمود خیمه اسلام است و حفظ آن، حفظ انقلاب و تضعیف آن، تضعیف نظام و در نتیجه براندازی نظام را در پی خواهد داشت. امام امت (ره)



همیشه در برابر تهاجم دشمن از اصل ولایت فقیه حمایت می‌کرد و می‌فرمود: "ولایت فقیه برای شما یک هدیه الهی است". (صحیفه نور ج 10، 1361، 88)

### 3- مشارکت و حضور فعال مردم در حوزه‌های مختلف

هر حکومت و دولتی برای مقابله با تهدیدات سخت و نرم دشمنان داخلی و خارجی و حل مشکلات اساسی خود، نیازمند تکیه گاهی محکم و مشکل‌گشا است. حکومت‌های بزرگ جهان به توان و قدرت استعماری و سازمان‌های اطلاعاتی و نیروهای نظامی و نیز امکانات اقتصادی خود و عندالزوم به تبلیغات، حيله‌ها و فریب‌ها متوسل می‌شوند. حکومت‌ها و دولت‌های وابسته به آن‌ها و غیر مستقل و غیر مردمی نیز در حل مشکلات مهم خود، دست به دامن دولت‌های ارباب و حامی خود می‌شوند. رژیم پهلوی نیز از این دسته دولت‌ها بود و به علت متکی نبودن به مردم خود از حل مشکلات عاجز بوده و دست به سوی اربابان استعمارگر خود دراز می‌کرد و هم اکنون اکثر کشورهای جهان چنین وضعیتی را دارند؛ اما یکی از دلایل بسیار مهم و حائز اهمیت ایران در طی 33 سال گذشته حضور فعال و مشارکت مردم در صحنه‌های مختلف انقلاب اسلامی بوده است، تا زمانی که این وضعیت در کشور حاکم است، انقلاب‌های رنگین و مخملی در جمهوری اسلامی ایران جایگاهی نخواهند داشت. یکی از مصداق‌های بارز بحث فتنه‌های انتخاباتی سال 1388 آمریکا و خنثی‌سازی آن توسط مردم در راه‌پیمایی میلیونی در نه دی 1388 و هدایت و حمایت رهبر معظم انقلاب بود.

از جمله موارد عمده‌ای که باعث عدم موفقیت انقلاب رنگین یا مخملی در جمهوری اسلامی ایران شده است بدین شرح است: عدم شکاف جدی و اساسی بین مردم و مسئولان، نگاه بدبینانه و منفی مردم ایران نسبت به فرهنگ غربی، قوی بودن بعد مشروعیت و مقبولیت انقلاب اسلامی، عدم هم‌خوانی فرهنگ غربی با فرهنگ

اسلامی، استقلال واقعی مردم ایران، نمایان شدن چهره واقعی و شیطنانی استکبار در صحنه‌ی بین‌المللی، عدم رابطه‌ی مستقیم ایران با امریکا، فرهنگ سیاسی ضد بیگانه در ایران، ساختار سیاسی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، هوشیاری نهادهای اطلاعاتی و امنیتی، رضایتمندی نسبی فردی و عمومی مردم، اعتقادات ریشه دار مذهبی مردم، غیبت سفارت امریکا در ایران، فقدان شرکت‌ها و نهادهای برانداز انقلاب‌های رنگین در ایران، عدم پذیرش ناظرین خارجی در انتخابات و... می‌باشد.

## نتیجه گیری

بررسی انقلاب‌های رنگی یا مخملی موفق در سه کشور گرجستان، اوکراین و قرقیزستان، نشان می‌دهد که در همه‌ی آن‌ها، بسترهای داخلی انقلاب در پیوند با عوامل خارجی تقویت و به سوی انقلاب‌های خشونت آمیز یا مسالمت جویانه پیش رفته و در اثر روند تغییرات انجام گرفته و میزان توانایی یا ضعف دو طرف، به شکست یا پیروزی رسیده است. انقلاب رنگی بیشتر در کشورهایی موفق شده که نظام سیاسی و حاکمان آن کشورها از مشروعیت و مقبولیت لازم مردمی برخوردار نبوده اند یا این پیوند بسیار ضعیف بوده. به همین جهت شکاف عمیق و جدی بین حاکمان و مردم کشورهای یاد شده وجود داشته؛ در صورتی که نظام جمهوری اسلامی ایران در طی سه دهه‌ی عمر خود از یک پشتوانه‌ی همه‌جانبه‌ی بسیار قوی مردمی برخوردار بوده است. اعتقادات اسلامی و مذهبی مردم مسلمان در جمهوری اسلامی ایران عمیق و ریشه دار است، این نقطه قوت و قدرت ملی با مقبولیت، مشروعیت و رهبری حکومت اسلامی پیوندی محکم و استوار خورده است، اما در کشورهایی که انقلاب رنگین در آن‌ها انجام گرفته، اعتقاداتی این‌گونه و با این کیفیت در سطح ملی و نظام سیاسی حاکم وجود نداشته و ندارد.

از سوی دیگر، عدم حضور مستقیم سازمان‌ها و بنیادهای برانداز نرم و استقلال واقعی ایران در صحنه‌ی نظام بین‌الملل از عوامل مهم عمده‌ی بازدارنده‌ی انقلاب‌های رنگی تا کنون بوده‌اند. نتیجه آنکه، براندازی نرم و انقلاب‌های رنگین بر ضد نظام جمهوری اسلامی ایران به طور بسیار جدی و حساب شده در دستور کار استکبار جهانی به رهبری دولت امریکا بوده و هست و در شرایط کنونی خطری بزرگ و اساسی است که بایستی آن را مهم شمرد و با هوشیاری همه‌جانبه با آن مقابله و مبارزه کرد. البته وضعیت فرهنگی و سیاسی ایران با کشورهایی که در آن‌ها انقلاب رنگی به پیروزی رسیده است کاملاً متفاوت و اساسی است و دشمنان ما از این موضوع به علت عدم شناخت دقیق تا حدودی نا آگاه و غافل بوده‌اند.

با توجه به تضاد فرهنگی و سیاسی عمیقی که بین دو کشور ایران و آمریکا حاکم است این تقابل و تنازع از سال 1357 با شیوه‌های مختلف شروع و هم‌چنان با شگردهای نوین و پیچیده‌تر ادامه خواهد داشت؛ چنانچه نتوانیم آن را به‌طور هوشمندانه در آفند و پدافند تقویت و مدیریت نماییم در آینده دچار چالش‌ها و آسیب‌های عمده‌ای خواهیم شد. گرچه در شرایط فعلی، بنا به دلایل ذکر شده، الگوی مذکور در خصوص جمهوری اسلامی ایران از کارایی لازم برخوردار نبوده و نباید به عنوان دغدغه‌ی خاصی برای مردم مطرح گردد. با توجه به تجزیه و تحلیل‌های انجام گرفته و با در نظر گرفتن جمیع جوانب و موارد مطرح شده، مجموعه توطئه‌ها و اقدامات خصمانه دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران در تهدیدات سخت، نیمه سخت و نرم در طی سه دهه‌ی گذشته از سوی رهبری و مسئولین مربوطه و همین‌طور سازمان‌ها و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی با مشارکت فعال مردم در صحنه‌های مختلف به خوبی مهار و مدیریت شده، چنانچه این وضعیت حفظ و در آینده تقویت شود دشمنان در دسترسی به اهداف خود ناموفق و ناکام خواهند ماند. در نهایت نباید از مکر و حيله‌های نوین آن‌ها غافل و نا آگاه باشیم؛ بر همین اساس، موارد ذیل به عنوان راهکارهای عمده به منظور جلوگیری از بروز انقلاب‌های رنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌گردد.

1. ترویج و تبلیغ اسلام ناب محمدی (ص) در سطوح ملی و فراملی.
2. بهره برداری حداکثری از قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی.
3. مدیریت فعال و هوشمند براندازی نرم توسط سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی و... و ارائه‌ی راه‌های مقابله.
4. پشتیبانی و حمایت دائمی از نقش و جایگاه ولایت فقیه و سایر ارکان کلیدی و بسیار حساس کشور.
5. افزایش میزان علم و آگاهی و بصیرت عمومی مردم از طریق رسانه‌های

پرمخاطب و...

6. برقراری و تحقق عدالت اجتماعی ملی در زمینه‌های مختلف.
7. مبارزه‌ی اصولی و جدی با فسادهای سیاسی، اقتصادی، اداری، اجتماعی، فرهنگی و...
8. تقویت همه‌جانبه‌ی هویت اسلامی و ایرانی در سطح ملی و محلی.
9. مبارزه‌ی جدی و دائمی با تهاجم فرهنگی غرب، به ویژه لیبرالیسم.
10. تقویت و حفظ مشارکت عمومی مردم در حوزه‌های مختلف.
11. ارتقای اتحاد ملی و مبارزه با هر گونه تفرقه و پراکندگی.
12. تقویت نقاط ضعف و آسیب‌پذیر و رفع نارسایی‌ها.
13. انتقال تجربیات موفق، آرمان‌ها و ارزش‌های ناب انقلابی و اسلامی به نسل‌های جدید.
14. به‌کارگیری توصیه‌های کلیدی بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری.
15. تقویت همه‌جانبه و اساسی زیرساخت‌های اقتصادی، فرهنگی و آموزشی کشور.
16. عدم غفلت از نیروهای جنگ سخت و تجهیز فراگیر آن‌ها به وسایل پیشرفته‌ی روز دنیا.
17. شناسایی و برخورد اصولی با عوامل داخلی و خارجی براندازی نرم.
18. تخریب و تضعیف همه‌جانبه فرهنگ لیبرالیسم غرب با شیوه‌های گوناگون در آفند و پدافند.
19. تقویت گسترده‌ی حوزه‌ی آفندی و پدافندی کشور در راستای مبارزه با تهدیدات نرم.
20. برگزاری دوره‌های اختصاصی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت آگاه‌سازی برای مشاغل کلیدی و بسیار حساس کشور.

## منابع

1. آراکلیان، آرتین، (1383/12/5)، ((انقلاب مخملین)) در فرقیستان زرد رنگ خواهد بود، سایت باشگاه اندیشه.
2. آقا بخشی - علی و افشاری راد - مینو، (1379)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار.
3. اداره سیاسی سپاه، (1381)، جریان برانداز و استراتژی براندازی خاموش در دهه‌ی سوم انقلاب اسلامی، تهران، معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج.
4. ایدئولوژی و ژئوپولیتیک کودتاهای مخملی، سایت باشگاه اندیشه، 1386/5/29.
5. بشیریه، حسین، (1382)، آموزش دانش سیاسی، مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، چاپ سوم، تهران، نگاه معاصر.
6. بهمن، شعیب، (1388)، انقلاب‌های رنگی و انقلاب اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
7. پور سعید، فرزاد، (1387)، انقلاب رنگی و جمهوری اسلامی ایران، تحلیل‌ها و تخمین‌ها، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
8. جمعی از نویسندگان، (1389)، گذر از فتنه 88 جلد اول (تحلیل و بررسی دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و حوادث پس از آن)، تهران، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
9. جنگ نرم (5)، (براندازی نرم در کشورهای مدل)، (1386)، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
10. رستمی، محمود، (1378)، فرهنگ واژه‌های نظامی، تهران، ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران.
11. روزنامه‌ی رسالت مورخه 1388/9/2.
12. روزنامه‌ی کیهان مورخه 1387/3/23.
13. صحیفه‌ی نور، جلد 10، (1361)، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

14. فصلنامه و علمی تخصصی عملیات روانی، (1384)، سال سوم، شماره 9، تهران، دانشگاه امام حسین (ع).
15. فصلنامه و علمی تخصصی عملیات روانی، (1388)، سال ششم، شماره 22، تهران، دانشگاه امام حسین (ع).
16. کولایی، الهه، (1384)، افسانه‌ی انقلاب‌های رنگی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
17. گروه مطالعاتی دانشکده‌ی امنیت ملی، (1388)، تهدید نرم و راهبردهای مقابله، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
18. لطیفی پاکده، لطفعلی، (1389)، براندازی نرم، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، زمزم هدایت.
19. مأموریت خانه‌ی آزادی چیست؟، خبرگزاری فارس، 1388/4/30، شماره ۸۰۴۳۰۱۲۶۶.
20. مرسلی، فاطمه، (1388)، هزار راه رفته (واکاوی جنگ نرم امریکا علیه ایران اسلامی)، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
21. ملک لین، ایان، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه حمید احمدی، (1381)، تهران، نشر تهران.
22. موسوی، سید رسول، (1384)، تحولات قرقیزستان و انقلاب لاله‌ای، از کتاب: افسانه انقلاب‌های رنگین، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
23. مهرداد، هرمز، (1380)، مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی پژوهشی فاران.
24. نگارش، حمید، (1388)، دشمن شناسی از دیدگاه امام خمینی (ره)، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.